

بررسی اجمالی



نوروز در



سید جواد مدرسی

تاریخ و اسلام

مقدمه:

اغلب، بلکه همه اقوام و ملل برای برخی از روزهای سال به مناسبت‌های مختلف احترام و اعتبار خاصی قائلند که ناشی از ریشه‌های قومی و مذهبی و غیره می‌باشد. ایرانیان باستان نیز که مذهب و سنت‌های خاصی داشتند، بعضی از روزها نزد آنان، از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار بود، که معروف‌ترین و مهمترین آنها نوروز و سپس مهرگان و جشن سده و گاهنبارها می‌باشد.

با آنکه بسیاری از سنت‌های قومی و مذهبی ایرانیان به دنبال هدایت یافتن آنها به دین مبین اسلام از بین رفت و جای آن را سنت‌های اسلامی گرفت، لکن عید نوروز کم و بیش در میان آنها باقی ماند، که البته علل سیاسی در آن بی‌تأثیر نبوده است. اکنون این سؤال مطرح است، که آیا اسلام، عید نوروز را به رسمیت شناخته و بر آن مهر تأیید زده، و یا آن را مردود شمرده است؟^۱

تذکر این نکته لازم است که شناخت ریشه و سیر تاریخی نوروز، در استنباط حکم شرعی (تعیین روز) آن دخالت دارد و کسانی که بدون توجه به سابقه تاریخی آن، اظهار نظر می‌کنند دچار اشتباه می‌شوند.

از این جهت نوشته حاضر شامل دو بخش است، در بخش اول، نوروز از لحاظ ریشه

۱ - البته بقیه سنت‌های مذکور نیازی به بحث ندارد چون بی‌اعتباری آنها در اسلام روشن است.

تاریخی بطور اختصار مورد بحث قرار می‌گیرد و در بخش دوم، به بررسی حکم شرعی آن پرداخته می‌شود.

سابقه تاریخی نوروز

روشن شدن این موضوع نیاز به بحث و تتبع و سپی دارد که این مختصر را نمی‌گنجد، در این زمینه تحقیقات ارزنده‌ای توسط دانشمندان گذشته و حال انجام گرفته که طالبین می‌توانند به آنها مراجعه کنند. از آن جمله علامه مجلسی در بحار الانوار در کتاب السماء و العالم^۱ به تفصیل در این باره سخن گفته و بررسی محققانه‌ای انجام داده است. اکنون ما به بیان فهرستی از تاریخ پیدایش و تحول نوروز از زبان صاحب نظران و کتابهای معتبر اکتفاء می‌کنیم.

شاعر بزرگ عنصری گوید:

نوروز بزرگ آمد و آرایش عالم میراث به نزدیک ملوک عجم ازجم

و شاعر باستانی، فردوسی، درباره نوروز به یاد جمشید گوید:

چنین روز فرخ از آن روزگار بمانده از آن خسروان یادگار

رودکی گوید:

چون سپرم^۲ نه میان بزم به نوروز در مه بهمن بتاز و جان عدو سوز

ابوریحان بیرونی در کتاب بزرگ خود یعنی قانون مسعودی درباره نوروز مطالبی دارد که ترجمه آن

تقریباً چنین است:^۳

نوروز یا روز نو، اول سال پارسیان می‌باشد و آن طولانی‌ترین روزهای سال است و از

جمشید به یادگار مانده و این انتخاب به دو علت است.

اول: علت طبیعی، چون شناخت آن به واسطه درازی سایه در ظهر، بر همه آسان است

و محتاج به هیئت و رصد نمی‌باشد، و از این جهت بر اعتدالی ترجیح دارد.

علت دوم: گویند جمشید امروز به جنگ رفت و روز پنجم با فتح و پیروزی بازگشت

و این روز را نوروز بزرگ خوانند و آب پاشیدن به یکدیگر را سنت قرار دادند.^۴ چون به عقیده

۱ - جلد ۱۴ طبع قدیم و جلد ۵۹ و ۵۶ طبع جدید ص ۹۱ الی ۱۴۳.

۲ - به معنی اسپرغم، هر گیاه خوشبو، ریحان.

۳ - جلد اول ص ۲۶۱.

۴ - در بعض اخبار ماسنت آب پاشیدن را بدین نحو بیان کرده است: خداوند متعال پیغمبری از بنی اسرائیل را دستور

ایشان اسم روز پنجم (اسفند دارمذ) همان اسم ملك موكل آب است.^۱
تاریخ مروج الذهب می‌نویسد: فارسیان در هر ۱۲۰ سال يك ماه به جهت کیسه اضافه می‌کردند و کراهت داشتند از اینکه هر چهار سال يك روز اضافه کنند تا روزهای سعد و نحس آنها به هم نخورد و نوروز هم به وسط روز منتقل نشود.^۲ چه آنکه انتقال خورشید به برج حمل آگاهی در وسط روز است.

در لغت‌نامه دهخدا و معین می‌نویسد: گشتاسب بفرمود تا کیسه کردند و فروردین آن روز آفتاب به اول سرطان گرفت (تیرماه)، و جشن کرد، و گفت این روز را نگاه دارید و نوروز کنید که سرطان طالع عمل است. و بعضی گفته‌اند اول کسی که رسم عیدی به نوروز و مهرگان داد، فریدون بود، در بعضی تقاویم معمولی دیدم که روز چهارم مرداد مصادف فروردین فرس و نوروز عامه معرفی شده است.

تذکر این نکته لازم است که سال فرس قدیم دوازده ماه، (به استثنای سال کیسه که خواهد آمد) و هر روزی را اسمی بود، هر وقت اول سال بود ماه اول را فروردین و روز اول را نوروز می‌خواندند، و نام آن هرمزیا به عربی هرمد، بود. بیرونی، راجع به کیسه در کتاب سابق الذکر می‌نویسد: از زمان زرتشت کیسه ایرانی ۱۲۰ سال یکماه بود به دلائل مراسم مذهبی که یاد می‌کند، کیسه اول روز دوم فروردین و کیسه دوم روز دوم اردیبهشت. و تا آبان ماه این جریان ادامه داشت و دانشمندانی برای این کار وجود داشت، سپس به عهده تعویق ماند.^۳

لغت‌نامه مذکور اضافه می‌کند: (مرحوم علامه مجلسی همین مطالب را با مزایای بیشتری در جلد ۵۹ بحار ذکر کرده است) در دوره ساسانیان (که هنگام ظهور اسلام بود) موسم این جشن با گردش سال تغییر می‌کرد و در آغاز فروردین هر سال نبود، بلکه مانند عید فطر واضحی در گردش بود، مبدأ جلوس یزدگرد واپسین شاه ساسانی که روز نوروز بود (و همه ساسانیان روز نوروز تاجگذاری می‌کردند) مصادف شانزدهم جزیران، تقریباً اوائل تابستان

داد آب بر مردگان پیاشد که خداوند متعال در قرآن یاد کرده، «الم ترالی الذین خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت الایة» و پس از آب پاشیدن زنده شدند.

۱ - همانطور که تیر مطابق مهرماه جلالی است یعنی ستاره باران، و آبان به معنای آنها و هنگام آب است.

۲ - ج ۱، ص ۲۰۰.

۳ - و این شبیه «نسی» است در ماههای عربی و خداوند فرماید: «انما النسی زیادة فی الکفر» و باز می‌فرماید:

«ان عده الشهور عند الله اثني عشر شهراً».

۴ - مؤلف، سال را مانند حال حاضر از اعتدال ربیعی شروع کرده و نام آن را به اسم فروردین یاد می‌کند مانند طبری

و ابن اثیر.

بود. پس از آن هر چهار سال يك روز این جشن عقب‌تر ماند به واسطه عدم اجراء کیسه و در حدود ۳۹۲ هجری قمری جشن به اول حمل رسید، و در سال ۴۶۷، نوروز به بیست و سوم برج حوت افتاد؛ ۱۷ روز مانده به پایان زمستان.^۱ (یا به نقل دیگر نوروز در سال ۴۷۱ مصادف با ۱۹ روز از زمستان باقیمانده).

در این وقت به دستور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی علماء نجوم از آن جمله حکیم عمر خیام سال را اول بهار، مقارن تحویل آفتاب به برج حمل قرار دادند و به نوروز جلالی مشهور شد و به واسطه حسن انتخاب و دقت از همان روزها، سال جلالی، تاریخ رسمی شد، سعدی گوید:

اول اردیبهشت ماه جلالی بلبل گوینده بر منابر قصبان
و نیز گوید:

هزار سال جلالی بقای عمر توباد شهر آن همه اردیبهشت و فروردین
ناصر خسرو گوید:

نوروز به از مهرگان گرچه دو روزانند اعتدالی
سید حسن تقی‌زاده در کتاب خود در این موضوع به نام گاه‌شماری می‌گوید: جشن نوروز تا این اواخر تنها نشانه‌ای بود که از بقایای حساب زمان با سال و ماه شماری ایران قدیم بود، (آن فقط در لفظ نوروزنه موقع سال و نه در سایر خصائص قدیم سال ایرانی).^۲
این بود جریان گذشته نوروز تا ظهور تاریخ جلالی (یا ملکی یا سلطانی) و تا امروز.

نوروز در عصر خلفاء

در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله نامی از نوروز ندیدم جز آنچه آلوسی در بلوغ الارب نقل کرده که بعداً درباره آن بحث خواهد شد و همچنین در زمان خلفای سه گانه، اما در زمان حضرت علی علیه السلام روایتی نقل شده است که نوروز را بر حضرت عرضه کردند. (چنانکه

۱ - بیست و سوم حوت غلط است و ظاهراً باید سیزده باشد.

۲ - در مقدمهٔ ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی که به تاریخ جهانگیری مشهور است در ضمن احوال غازان خان

گوید:

در عهد او، تاریخ خانی در سنهٔ ۷۰۱ موافق پارس نیل وضع کردند.

نام تاریخ خانی هم تا به امروز در تقاویم سنتی موجود است در تقویم حبیب‌الله نجومی (سال ۱۳۴۳) می‌نویسد: روز اول سال مطابق ۲۴ آبان فرسی ۱۳۳۳ یزدجری و هشتم ماه ترکی ناقصه غازانیه.

خواهد آمد).

چون یکی از مراسم عید نوروز بلکه مهرجان، اهداء هدایا به پادشاهان و حکام بود، معاویه آن را رواج داد و سپس عمر بن عبدالعزیز این رسم را منسوخ کرده و بازیزید ثانی (یزید بن عبدالملک مروان) آن را برقرار ساخت.^۱

در زمان بنی عباس علاوه بر این جهت، منظور سیاسی نیز در کار بود، چون طرفداران آنها ایرانی و وزرای هارون (برامکه) نیز ایرانی و از تبار مؤبدان آتشکده بلخ و طرفدار نوروز و مهرگان بودند. در بعضی از روایات هست که منصور بر حضرت موسی بن جعفر (ع) فشار آورد، تا در روز نوروز به عنوان عید جلوس داشته باشند.^۲ تا برسد به خلفای بعدی که طرفداران آنها ترکها بودند.^۳

همچنانکه گفته شد، نوروز قبل از اسلام و مدتی بعد از ظهور اسلام در گردش بود تا زمان متوکل عباسی که علماء وقت، کیسه را انجام دادند، تاریخ طبری می‌نویسد: ^۴ متوکل نوروز را ۲۸ (اردی و هشت) مطابق ۱۷ حزیران قرار داد.

بختری طائی گوید:

إِنَّ يَوْمَ النِّيرُوزِ عَادَ إِلَى الْعَهْدِ إِذِ الَّذِي كَانَ سَنَّهُ أُرْدَشِيرُ
أَنْتَ حَوَّلْتَهُ إِلَى الْأَوَّلِ لِيْ وَقَدْ كَانَ حَائِرًا يَسْتَدِيرُ
فَأَفْتَتَحْتَ الْخِرَاجَ فِيهِ قَلِيلاً مَّةَ فِيهِ مِرْقَقٌ مَذْكُورُهُ

کامل ابن اثیر نیز مطلب را به همین صورت بیان کرده است با تبدیل لفظ «اردی و هشت» به «اردیبهشت» و بیرونی در آثار الباقیه^۷ گوید: معتضد عباسی عمل کیسه را تکمیل کرد.

علی بن یحیی منجم در این باره گوید: أَسْعِدُ بِتَوَرُّوْكَ جَمَعْتَ الشُّكْرَ فِيهِ إِلَى الثَّوَابِ

۱- تاریخ یعقوبی جلد ۲ صفحه ۳۰۶ و ۳۱۳.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۱۸.

۳- کردهای یزیدی نیز نوروز یکی از اعیاد رسمی آنها می‌باشد.

۴- ج ۹، ص ۲۱۸ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم.

۵- نوروز بازگشت به همان وضعی که اردشیر مرسوم نموده بود، تو آن را برگرداندی به صورت اول در حالی که در چرخش بود و دور می‌زد، در این روز خراج را آغاز نمودی و در این کار برای رعایا اسباب راحتی شد که زبان زد است، طبری فقط بیت اول و بیرونی همه را آورده است.

۶- ج ۷، ص ۸۹، طبع بیروت ۱۳۸۵ هـ.

۷- ص ۳۳.

قَدَّمَتْ فِي تَأْخِيرِهِ مَا آخِرُوهُ مِنَ الصَّوَابِ^۱ و نیز می‌گوید:

يَوْمَ نِيرُوزِكَ يَوْمٌ وَاجِدٌ لَا يَتَأَخَّرُ فِي خَزِيرَانٍ يُؤَافِي أَبَدًا أَحَدَ عَشَرَ^۲ (اوائل تابستان).

هنوز هم نوروز معتضدی در مقابل نوروز جلالی در تقابلی سستی ما موجود است، البته آرزوی شاعر در ابدی بودن نوروز معتضدی (۱۱ حزیران) برآورده نشد و باز کیسه تازمان ملک‌شاه به عهده تعطیل ماند به شرحی که گذشت.

این بود مختصری از سیر تحول نوروز از اهل فن و تاریخ که همه آنها از مشهورات و مقبولات است و کسانی که مایل به اطلاعات بیشتری در این زمینه باشند می‌توانند به کتابهای مفصل تری که درباره این موضوع بحث کرده است مراجعه کنند.^۳

قسمت دوم: نوروز در منابع اسلامی

۱ - کتب اهل سنت: در جوامع اخبار و احادیث عامه، مطلبی از این موضوع به چشم نمی‌خورد جز چند موردی که ذکر می‌شود: «الوسی در بلوغ الارب^۴ نقل می‌کند که انصار، عید نوروز و مهرجان را بر حضرت رسول (ص) عرضه کردند حضرت فرمودند: خداوند متعال بهتر از آن را (فطر واضحی) به من داده است، این مضمون به روایت دیگری - نیز نقل شده است و روایت مناقب^۵ هم - که از حضرت موسی بن جعفر (ع) نقل می‌کند - مؤید آن است. همچنین قاموس در ذیل کلمه نوروز نقل می‌کند که برای حضرت علی (ع) حلوا آوردند، فَسَلَّ عَنْهُ فَقَالُوا لِلنَّيروزِ، فرمود: هر روز نوروز باد و در مهرگان چنین کردند فرمود: هر روز مهرگان باد.^۷

قریب به این حدیث روایتی است، که خطیب در تاریخ بغداد^۸ در احوال ابوحنیفه

۱ - «خجسته باد نوروز تو، سپاس و ثواب رایبه هم گردآوری، با مؤخر نمودن نوروز آنچه را که از درستی دور نگهداشته بودند، بدان نزدیک نمودی».

۲ - «نوروز تو روزی است مشخص که تأخیر بر نمی‌دارد، در حالی که دائماً با یازده حزیران موافق است».

۳ - بحار جلد ۵۶ صفحه ۹۱ - لغتنامه دهخدا و دکتر معین - آثار الباقیه - گاه شماری.

۴ - جلد اول صفحه ۳۶۴ طبع قاهره ۱۹۲۵.

۵ - بعداً خواهد آمد.

۶ - «حضرت پرسش نمود که این چیست؟ در جواب گفتند: به مناسبت نوروز است».

۷ - فی القاموس: «قدم الی علی شی من الحلوی فسئل عنه فقالوا للنیروز فقال نیروزنا کل یوم و فی المهرجان قال مهرجونا کل یوم قال فی تاج العروس عند قوله نیروزنا: فی استعمال الفعل من الالفاظ الاعجمية و هو من قوة الفصاحة و فی تاریخ بغداد قال (ع) نوروز و نا کل یوم.

۸ - جلد ۱۳ ص ۶ - ۳۲۵.

مسنداً نقل می‌کند، و اضافه می‌نماید که شخصی که حلوا را به حضرت تقدیم کرد، جد ابوحنیفه، نعمان بن مرزبان پدر ثابت بود.^۱

ولی این روایت مرسله هیچ دلالتی بر مشروعیت عید نوروز در اسلام ندارد بلکه شاید مشعر به عدم مشروعیت آن باشد زیرا حضرت، اظهار بی اطلاعی می‌کنند، در حالی که اگر واقعاً از اعیاد اسلامی به شمار می‌رفت حضرت سزاوارترین شخص به آگاهی از آن بود.

نظیر این روایت نیز در دعائم الاسلام ذکر شده است. فَقَالَ مَا هَذَا؟ قَالُوا يَوْمَ نِيرُوزٍ قَالَ (ع) فَتَوَرَّوْا إِن قَدِرْتُمْ كُلَّ يَوْمٍ^۲ یعنی: اگر نوروز به حلوا هدیه کردن است، هر روز حلوا هدیه کنید، و این از مکارم حسنی است که انسان بدون جهت نسبت به آداب و رسول غیر مضرة اقوام و ملل بی اعتنائی نکند، چنانکه از بعض روایات، اشعار به این معنی را می‌توان استفاده نمود.

اما از نظر فتوی، کسی از علماء اهل سنت که قائل به مشروعیت عید نوروز باشد، تا به حال سراغ نداریم.^۳

۲ - مدارك شيعه:

۱ - روایت مناقب ابن شهر آشوب: حِكْمِيَّ أَنَّ الْمَنْصُورَ تَقَدَّمَ إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بِالْجُلُوسِ لِتَهْنِئَةٍ فِي يَوْمِ التَّيْرُوزِ وَقَبِضَ مَا يُخْمَلُ إِلَيْهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي قَدْ فَتَشْتُ الْأَخْبَارَ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمْ أَجِدْ لِهَذَا الْعِيدِ خَيْرًا وَإِنَّهُ سَنَةٌ لِيَلْفُرْسِ وَمَحَاةَا الْإِسْلَامِ وَمَعَاذَ اللَّهِ أَنَّنِّي نَحِييَ مَا مَحَاةَا الْإِسْلَامِ فَقَالَ الْمَنْصُورُ: إِنَّمَا نَفَعَلُ هَذَا سِيَّاسَةً لِيَجْنِدَ فَسَأَلْتُكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ إِلَّا جَلَسْتَ فَجَلَسَ، الْحَدِيثُ.^۴

۱- حلوی مذکور همان فالودج می‌باشد که عبارت است از طبخ آرد گندم یا آرد برنج با روغن و شکر و در اصطلاح اهل یزد آن را «ترحلوا» می‌گویند و مترفین و خلفاء در آن، روغن پسته و عسل و شکر «طبرزد» بکار می‌برند، البته مخفی نماند که روایت شده که حضرت علی (ع) هرگز حلوا میل نفرمود و می‌فرمود: حبیبم رسول خدا (ص) میل نفرمود من هم نمی‌خورم ولی در احیاء العلوم است که عثمان، فالودجی به پیامبر هدیه کرد و حضرت میل فرمود.

۲ - حضرت فرمود: این چیست؟ عرض کردند روز نوروز است. فرمود: اگر می‌توانید هر روز را نوروز کنید.

۳ - مگر آنچه که آلوسی در کتاب بلوغ الارب نقل می‌کند.

۴ - نقل شده که منصور به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام پیشنهاد کرد که نوروز را برای شادباش جلوس نمایند و آنچه به عنوان هدیه آورده می‌شود بگیرند، حضرت علیه السلام در جواب فرمودند: من در میان اخبار جمیع رسول الله صلی الله علیه وآله جستجو نمودم و برای این عید خبری نیافتم، همانا این سنت پارسیان است و اسلام آن را محو نموده است، معاذ الله که، آنچه که اسلام آن را محو نموده است، احیاء نمائیم منصور گفت: همانا ما این کار را جهت اداره و سیاست

مرحوم علامه مجلسی این روایت را حمل بر تقیه می‌کند، ولكن هیچ وجهی برای چنین حملی وجود ندارد چون بنی عباس به تمام معنی طرفدار نوروز بودند، و متن حدیث، خود شاهد این مدعا است.

۲ - روایات معلی بن خنیس: روایات متعددی از معلی بن خنیس در زمینه نوروز نقل شده است، لکن محتمل است همه آنها در اصل يك روایت بوده که معلی یا کسانی که از وی نقل کرده‌اند، تقطیع نموده‌اند.

الف: روایت مصباح المتهجد:

رَوَى الْمُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ عَنْ مَوْلَانَا الصَّادِقِ (ع) فِي يَوْمِ النِّيروزِ قَالَ: وَإِذَا كَانَ يَوْمُ النِّيروزِ فَأَغْتَسِلْ وَالْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ وَتَطَيَّبْ بِأَطْيَبِ طَبِيبِكَ وَتَكُونُ صَائِماً ذَلِكَ الْيَوْمَ فَإِذَا صَلَّيْتَ النَّوْافِلَ وَالظُّهْرَ وَالْعَصْرَ... وَتَسْجُدُ بَعْدَ فِرَاغِكَ مِنَ الرُّكْعَاتِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَتَدْعُوا فِيهَا بِهَذَا الدُّعَاءِ... وَ بَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَ خَطَرَهُ...

این روایت مورد استناد بسیاری از فقهاء برای اثبات استحباب غسل و صوم و صلوة در روز نوروز می‌باشد. صاحب وسائل آن را در سه مورد نقل می‌کند.^۲ و صاحب جواهر می‌فرماید: کَمَا عَنِ الْمُصْبَاحِ وَمُخْتَصَرِهِ، ولكن هم در مصباح مخطوط و هم مطبوع، تصریح شده که از ملحقات مصباح می‌باشد و در نسخه‌های اصل نبوده است، ولی چون در مختصر مصباح موجود می‌باشد، معلوم می‌شود که از ملحقات خود شیخ است، و لذا صاحب سرائر آن را از مختصر مصباح نقل می‌کند.

مرحوم شیخ طوسی، روایت معلی را بدون سند ذکر می‌کند، و در فهرست در مورد معلی بن خنیس می‌فرماید:

لَهُ كِتَابٌ أَخْبَرَنَا بِهِ جَمَاعَةٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ابْنِ وَلِيِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

لشکر انجام می‌دهیم، به خدای بزرگ از تو می‌خواهم که حتماً جلوس داشته باشی، در نتیجه حضرت جلوس فرمود... (مناقب جلد ۴ صفحه ۳۱۸).

۱ - معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام درباره نوروز نقل می‌کند که فرمود: هرگاه نوروز بود غسل نما و نظیف‌ترین لباسهایت را بپوش و به خوشبوترین چیزهایت خود را خوشبو نما و در آن روز، روزه باش، پس آنگاه که نوافل نماز ظهر و عصر را بجا آوردی... سجده شکر می‌کنی بعد از فراغ از رکعات، این دعا را می‌خوانی... و مبارک گردان بر ما در این روزی که آن را برتر داشته و گرمی نمودی و ارزش والا ئی به آن دادی. (حاشیه صفحه آخر مصباح، تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی).

۲ - جلد ۲، صفحه ۹۶، و جلد ۵، صفحه ۲۸۸، و جلد ۷، صفحه ۳۴۶.

الْحَسَنِ الصَّقَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْهُ.

سند شیخ به کتاب معلی، معتبر است، ولكن روشن نیست که شیخ آن را از کتاب خود معلی نقل کرده باشد، و ممکن است با سند دیگری از وی نقل کرده باشد که برای ما مجهول است، ولی مرحوم مجلسی در زاد المعاد می‌فرماید: به اسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق بوده است منقول است و سپس روایتی را نقل می‌کند که ذیل آن، مطابق حدیثی است که در مصباح آورده است.^۱ ولی احتمال دارد در کتب معتبره اصحاب بوده که از بین رفته است، مثل مدینه العلم صدوق که به فرمایش شیخ، سه برابر من لایحضره الفقیه بوده، و عیون الاحادیث احمد بن الحسین بن احمد نیشابوری الخزاعی شاگرد سید مرتضی و شیخ طوسی و غیره.

ب - روایت سجاد.

رَأَيْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ الْمُعْتَبَرَةِ: رَوَى فَضْلُ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ... تَوَلَّاهُ اللَّهُ الدَّارَيْنِ بِالْحُسْنَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الدُّورِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْمُوسَى الْقُمِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ بَلَالٍ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ، عَنْ حَبِيبِ الْخَيْرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّائِغِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ: قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) يَوْمَ النَّيروزِ فَقَالَ (ع): اتَّعَرَفْتَ هَذَا الْيَوْمَ؟ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ هَذَا يَوْمٌ تُعَظَّمُهُ الْعَجَمُ وَتَتَهَادَى فِيهِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَالنَّبِيُّ الْعَتِيقُ الَّذِي بِمَكَّةَ مَا هَذَا إِلَّا لِأَمْرِ قَدِيمٍ، أَفَسَّرَهُ لَكَ... إِنْ يَوْمَ النَّيروزِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ فِيهِ مَوَاقِيقَ الْعِبَادِ... وَهُوَ أَوَّلُ يَوْمٍ طَلَعَتْ فِيهِ الشَّمْسُ وَهَبَّتْ بِهِ الرِّيحُ... وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي اسْتَوَتْ فِيهِ سَفِينَةُ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْجُودَى، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَخْبَى اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ... وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَزَلَ فِيهِ جِبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي، أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَصْحَابَهُ أَنْ يُبَايَعُوا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ... وَ مَا مِنْ يَوْمٍ نِيرُوزٍ إِلَّا وَنَحْنُ نَتَوَقَّعُ فِيهِ الْفَرَجَ، لِأَنَّهُ مِنْ آيَاتِنَا وَأَيَّامِ شِيعَتِنَا حَفَظْتَهُ الْعَجَمُ وَصَيَّغْتُمُوهُ أَنْتُمْ... و سپس معلی از حضرت، اسماء ایام فارسی را می‌پرسد، و امام به تفصیل پاسخ می‌دهند.^۲

۱ - ظاهر کلام مرحوم مجلسی این است که تمام روایت به اسانید معتبره روایت شده است، و لكن در بحار که کتاب روانی مبسوط می‌باشد، حدیث مصباح را تنها از کتاب مصباح نقل می‌کند و بعد روایت دوم و سوم و چهارم را همانطور که در جزوه حاضر آمده نقل می‌کند، یعنی اولی را از بعض کتب معتبره، و دوم و سوم را از مهذب البارع.

۲ - «معلی بن خنیس می‌گوید: بر امام جعفر صادق علیه السلام در نوروژ وارد شدم، فرمود: این روزها را می‌شناسی؟

ج: أَخْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي كِتَابِ الْمُهَذَّبِ، قَالَ: حَدَّثَنِي السَّيِّدُ الْعَلَّامَةُ بَهَاءُ الدِّينِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ، عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ يَوْمَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْعُهُودَ وَالْمَوَائِقَ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي ظَفَرَ فِيهِ بِأَهْلِ النَّهْرَوَانَ وَقَتْلَ ذِي التَّلَابِيهِ (ذوالشديه ظ).^۱

د: مُهَذَّبُ السَّارِعِ: وَعَنِ الْمُعَلَّى أَيْضًا قَالَ: دَخَلَتْ عَلِيٌّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِ النَّبِيِّ...^۲ مضمون این حدیث قریب به روایت بحار است. سند دو روایت اخیر نیز تام نیست و مرسله می باشد.

۳ — عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ لَهُ فِي خَبَرِ طَوِيلٍ فِي جُمْلَةِ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ يَا حَزَقِيلُ، هَذَا يَوْمٌ شَرِيفٌ عَظِيمٌ قَدَرُهُ عِنْدِي، وَقَدْ الْبَيْتَ أَنْ لَا تَسْتَلْنِي مُؤْمِنٌ فِيهِ حَاجَةٌ إِلَّا قَضَيْتَهَا فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَهُوَ يَوْمُ نَبِيِّ...^۳

این روایت در مستدرک الوسائل نقل شده است، و لکن ضعیف می باشد. و اما از نظر مضمون، وقوع چنین حوادث عظیمه در نوروز بعید به نظر می رسد، و خواننده را به تردید می اندازد، مثل:

- ۱ — اخذ میثاق از بندگان در عالم ذر
- ۲ — اولین طلوع شمس و آفرینش سبزی در زمین

عرض کردم: قربانت گردم این روزی است که عجم آن را بزرگ می شمرد و به یکدیگر هدیه می دهند، حضرت فرمود: قسم به بیت عتیق که در مکه است این نیست مگر به جهت امری قدیم که برای توفیر می کنم... همانا نوروز روزی است که خداوند بندگان را گرفت و آن اول روزی است که خورشید در آن طلوع نمود و با دها به آن (در آن) وزیدن گرفت... و آن روزی است که کشتی نوح علیه السلام بر جودی قرار گرفت، و آن روزی است که خداوند زنده نمود کسانی که خارج شدند از خانه هایشان... و آن روزی است که امر فرمود پیامبر صلی الله علیه وآله اصحابش را که علی علیه السلام به عنوان امارت مؤمنین بیعت کنند... و هیچ روز نوروز نیست مگر اینکه، در آن روز توقع فرج داریم، به جهت اینکه نوروز از روزهای ما و روزهای شیعه ما است، عجم آن را حفظ نمود و شما آن را تزیین نمودید...» بحار ج ۵۶، صفحه ۹۱.

۱ — «معلی از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند: همانا نوروز روزی است که پیامبر صلی الله علیه وآله عهد و پیمانها را، برای امیرالمؤمنین (ع) گرفت، و آن روزی است که حضرت بر اهل نهروان پیروز شد و ذوالثلیه کشته شد. (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۸۸، روایت ۲).

۲ — وسائل الشیعه، جلد ۵، صفحه ۲۸۹ روایت.

۳ — مفضل بن عمر می گوید: امام صادق علیه السلام در خبری طولانی در ضمن کلامشان چنین فرمودند: پس خداوند به او وحی فرمود یا حزقیل، این روز شریف و با ارزش بزرگی است نزد من، و به تحقیق قسم خورده ام که کسی در این روز حاجتی را از من طلب نمی کند مگر آنکه برآورده می سازم و آن روز نوروز می باشد...» مستدرک الوسائل ج ۱، ص ۴۷۱.

- ۳- آرام گرفتن کشتی نوح
- ۴- نصب حضرت علی(ع) به وصایت در غدیر خم
- ۵- بیعت مردم با حضرت، بعد از عثمان
- ۶- روانه کردن علی(ع) توسط پیامبر(ص) به وادی جن
- ۷- پیروزی حضرت برخوارج نهروان و قتل ذی الثنیه
- ۸- ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه، و ظهور ولایة امر(رجعت)
- ۹- غلبه حضرت بردجال
- ۱۰- زنده شدن حزقیل و قوم او
- ۱۱- فرو انداختن و شکستن بتها توسط حضرت علی(ع) بر روی دوش پیامبر(ص)،

و همچنین شکستن بت توسط حضرت ابراهیم(ع)

از سوی دیگر حمزة بن الحسن الاصفهانی، که از مَهْرَة فن و صاحب نظران است، در جدول کتاب خود به نام سنی الملوك والانبیاء می نویسد: که نوروز در سال دهم هجرت مصادف یکشنبه ۱۷ محرم بوده است، نوروز هر سال را مطابق قمری تعیین می کند، و در بعضی سالها می گوید نوروز ندارد، یعقوبی می نویسد: علی(ع) در روز سه شنبه ۲۳ ذی الحجه به خلافت ظاهری رسیده و خورشید در جوزاء (خرداد) ۲۶ درجه و ۴۰ دقیقه بود، و قتل عثمان در ۱۸ ذی الحجه، و باز یعقوبی می نویسد: وفات پیامبر، دوم ربیع الاول و خورشید در برج حمل بود و بالطبع قضیه غدیر خم مدیدی پیش از حمل بوده است و در کتاب تجارب السلف، قتل عثمان را در هشتم و به روایتی در دهم تعیین نموده است.

فاضل کامل، استاد میرزا ابوالحسن شعرانی(ره) در ترجمه نفس المهموم فرماید: مرحوم حاج نجم التوله، فلکی مشهور زمان قاجاریه و صاحب تقویم معمولی، روزه عید قربان دهم هجری را اول حمل استخراج کرده و شعرانی فرماید: حساب زیجات بیش از یکی دو روز تفاوت نمی کند چون حساب زیج بر حسب حدّ اوسط است و العلم عندالله ولیس لمن لا یعلم حجة علی من یعلم.

بعلاوه اگر عید نوروز بدین درجه از اهمیت با آن همه فضائل و مناقب چنانکه در روایت آمده است بود، به صورت سیره مستمره میان مسلمین و لا اقل شیعه درمی آید، مانند فطرو غدیر، در حالی که چنین سیره ای با وجهه مذهبی، خصوصاً در میان غیر ایرانیان ثابت نیست. از سوی دیگر حدیث معلی بنا بر روایت دوم و سوم و چهارم شاذ است، و شخص دیگری روایتی بدین مضمون نقل نکرده است، و چون ناظر به حکم واجب و الزامی نیست، لذا

فتوی دادن باستناد آن مشکل است.^۱

۴ - روایت دعائم الاسلام:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَهْدَى إِلَيْهِ فَالْوُذُجَ، فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا يَوْمَ فَيُرُوزُ، قَالَ: فَتُرُوزُوا إِنْ قَدِرْتُمْ كُلَّ يَوْمٍ.^۲
قبلاً درباره این حدیث بحث شد.

اما از نظر فتوی

شیخ الطائفه اول فقیهی است که متعرض موضوع نورز شده است، آنهم نه در کتب فقهی خود، و نه به صورت نقل از جوامع معتبر روایی نظیر جوامع حسین بن سعید و احمد بن محمد بن عیسی الاشعری و بزنتی و غیره، بلکه در کتاب مصباح و به عنوان رَوَى الْمُعَلَّى. و سپس ابن ادریس (ره) در سرائر درباره آن بحث فرموده و از آن پس به کتب فقهی راه یافته است.

بعضی از فقهاء معاصرین و غیره ایشان در کتب خود از نوروز ذکری به میان نیاورده اند. مثلاً در باب اغسال مسنونه (مستحبّه) زمانیه، با اینکه عدد آن را تا شانزده رسانده اند و قائل به تسامح در ادله سنن می باشند ولیکن از ذکر غسل نوروز چنانکه در روایت آمده خودداری کرده اند، و یا در نزهة الناظر، یحیی بن سعید، اغسال مسنونه را، چهل و پنج غسل می داند ولی از غسل نوروز ذکری به میان نمی آورد.^۳ همه آنچه گفته شد مربوط به مشروعیت اصل نوروز بوده، و اما از حیث:

تعیین روز نوروز:

شیخ الطائفه که راوی حدیث معلی در کتاب مصباح هست از تعیین روز، خودداری فرموده است و صاحب سرائر باستناد گفته بعض اهل فن به نام «صولی»^۴ دهم ایارتعیین می فرماید و بر شیخ از آن جهت که روز را مشخص نکرده است اعتراض می کند، و او یعنی

۱ - خصوصاً با توجه به اینکه از شعائر مجوس است.

۲ - از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که خلعت حضرت پالوده ای اهدا شد، فرمود: این چیست؟ گفتند: روز نوروز است، فرمود: پس هر روز را نوروز کنید اگر می توانید، جلد ۲ صفحه ۴۷۱.

۳ - ص ۱۴.

۴ - ممکن است مراد از صولی، ابراهیم بن عباس الصولی و یا محمد بن یحیی بن العباس الصولی باشد.

صاحب سرائر اول فقیهی است که متعرض تعیین نوروز شده است. و لکن از مطالب گذشته روشن شد که اعتراض وی بی جاست، زیرا نوروزی که در گردش است چنانکه گذشت، نمی‌توان آن را به عربی و یا رومی چنانکه توقع ایشان است معین کرد و عجب آنکه اسمی از ماههای فارسی نمی‌برد، و شهید اول (ره) فرماید: نوروز اول سنه فرس است، (و آن بنا به قول بعضی یا اول جدی (دیماه) - چنانکه گفته شده، مشهور بین فقهاء عجم این قول است - یا اول برج حمل (فروردین) یا دهم ایار می‌باشد). مرحوم کاشف الغطاء نیز در کشف الغطاء مطابق کلام شهید (ره) فرموده است، صاحب حدائق (ره) نیز در باب اغسال، اقوال زیادی را نقل نموده است.

اما اکثر فقهای متأخر و معاصر، نوروز را به دخول خورشید به برج حمل (اول فروردین) تعیین فرموده‌اند. این وجه نیز مانند وجه سابق دچار اشکال است، زیرا نه در روایت تعیین شده است و نه شهرتی در زمان ائمه داشت، تا روایت منصرف به آن باشد، و آنها که قائل هستند، به حجت خویش آگاه‌ترند، و ما بعد از مراجعه به کتب بزرگان فقهاء چون جواهر و بحار و غیره دلیلی که اثبات کننده مدعای آنها باشد نیافتیم، البته تاریخ یعقوبی درباره اخبار فارسیان می‌نویسد: *وَأَسُّ سَنَتِهِمْ يَوْمَ النَّيْرُوزِ وَهُوَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ قَرُوزِدِينَ وَبِكَوْنِ ذَلِكَ فِي نِسَانٍ وَأَذَارِ (و بنظم نیشان و ایار باشد) وَقَدْ مَرَّتِ الشَّمْسُ فِي حَمَلٍ^۱ وَ حَالِ آنکه ۲۵ فروردین جلالی مطابق اول نیشان رومی است.*

خلاصه: با وجود تضارب روایات و عدم توجه قدماء و کدورت متن و عدم صحت سند، فتوای به مشروعیت نوروز و تعیین روز آن مشکل است.

راهی که باقی می‌ماند تمسک با دله تسامح در ادله سنن است، و لکن تعیین روز، گفتار بعض فقهاء است نه مضمون روایت، و ادله مذکور شامل کلام فقهاء نمی‌شود.^۲ بنابراین نهایت کلامی که می‌توان گفت سخن ابن فهد در مهذب البارع است، که: *إِنَّ يَوْمَ النَّيْرُوزِ يَوْمٌ عَظِيمٌ الشَّانِ وَتَعْيِينُهُ فِي أَيَّامِ السَّنَةِ مُشْكِلٌ^۳. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.*

پایان



۱ - اول سال پارسیان نوروز می‌باشد و آن اولین روز فروردین است که در نیشان و آذار واقع می‌شود در حالی که خورشید از برج حمل گذشته است. «جلد ۱ صفحه ۱۷۴».

۲ - از جهت دیگر عید نوروز از شعائر مجوس و محتمل الحرمة است و ادله تسامح در سنن چنانکه بعضی گفته‌اند از چنین موردی منصرف است.

۳ - نوروز روزی عظیم الشان است و تعیین آن در روزهای سال مشکل می‌باشد.